



کاجستان فارسی پنجم

✓ کلمات هم معنی

خطوط	سیم ها	پسرک	پسر کوچک
پیش از آن که	قبل از آن که	مسیر	راه
برآمد	بالا آمد وارد کشتی شد	خودرو	ماشین
احتیاج دارم	نیاز دارم	نصیحت	پندر و اندرز
مطمئن شوی	یقین پیدا کنی	سرنگون شدن	واژگون شدن
کم کمک	آرام آرام	رگبار	باران تند و درشت
سیم پیام	سیم تلفن	آشنا	دوست
تامل کن	فکر کن	نرمی	مهربانی
پسندیده آمد	پذیرفت	غوطه خورد	غرق شد
ملاطفت	مهربانی	جامه	لباس
سکان	وسیله ای برای هدایت کشتی	باری چند	چند باری
حکیمی	طبیعی	کرم	لطف
خاموش	مخفف خاموش و ساکت	غایب	پایان، نهایت
حکم	دانش، دلیل خردمندانه	ملک	پادشاه
مدارک	مدرک ها و درجه های علمی	در نهاد	آغاز کرد
طریق	راه و روش	نیاز موده	تجربه نشده
پیمودن مسافتی	طی کردن راهی	مایل بود	میل داشت
محنت	رنج، درد	ویلون	ساز موسیقی
		غلام	بنده
		نام یافت	نامیده شد
محصول	حاصل	مراقبت کردن	نگهداری
به دل پسرک نشست	کنایه پسرک از آن صدا خوشش آمد	آسیب دیده	مجروح
پا گرفت	استوار شد و رشد کرد	تحمل کن	صبر کن
بلافاصله	بدون درنگ و معطلی	ملایم	آرام
تازبانه	رشته از چرم که برای زدن استفاده می شد		



کاجستان فارس پنجم ابتدایی

✓ معنی شعر درس

✓ هم خانواده

✓ متضاد

داخل	خارج		
شب	روز		
آغاز	عاقبت		
کوچک	بزرگ		
امیدوار	ناامید		
دشمن	دوست		
سخت	آسان		
تند	ملایم		
بیمار	سالم		
رو	زیر		
پایین	بالا		
غریبه	آشنا		
راست	خم		
بیشترین	کمترین		
فقر	ثروت		
کم	زیا:		
سست	محکم		